



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال دوم، شماره اول، بهار ۱۳۹۹

پژوهشی پیرامون اشتراط تمکن از نفقه در عقد نکاح با دیدگاهی بر نظر امام خمینی (ره)

فاطمه نجیب زاده^{۱*}، معین غلامعلی پور^۲

*۱. کارشناس ارشد، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده‌ی الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۲. دانشجوی دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده‌ی الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۶۹-۵۷

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۰۶

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۸/۱۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۲/۲۷

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۱/۱۶

واژگان کلیدی:

عقد نکاح، تمکن، نفقه، زوج، زوجه، امام خمینی (ره).

نویسنده مسوول:

فاطمه نجیب زاده

آدرس پستی:

ایران، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد

تلفن:

00000000000

کد ارکید:

0000-0003-4124-3650

پست الکترونیک:

fatemehnajibzadeh@

yahoo.com

چکیده

زمینه و هدف: یکی از مصادیق کفالت در عقد نکاح نزد فقهای امامیه در کنار شرایطی همچون ایمان و اسلام، تمکن زوج در تأمین نیازهای زوجه و مایحتاج زندگی او می‌باشد که شریعت مقدس اسلام پرداخت نفقه‌ی زوجه را از تکالیف زوج در عقد نکاح می‌داند.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: یکی از مسائل مورد بحث در این زمینه، این است که آیا در ابتدای عقد نکاح تمکن زوج در پرداخت نفقه‌ی زوج از شروط صحت عقد نکاح است و یا اینکه عقد نکاح بدون تمکن زوج از نفقه نیز صحیح است.

نتیجه‌گیری: در این نوشتار نگارندگان، به بررسی مسأله اشتراط تمکن از پرداخت نفقه در عقد نکاح پرداخته‌اند و پس از ذکر و بررسی ادله‌ی قائلان به اشتراط و قائلان به عدم اشتراط تمکن از نفقه، نظریه‌ی عدم اشتراط تمکن از پرداخت نفقه در عقد نکاح را به اثبات رسانده‌اند و حاصل اینکه عدم تمکن از نفقه در صحت نکاح تأثیری ندارد.

مقدمه

تعلیق کردن چیزی به چیزی (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۲۱۶-۲۱۶). و تقیید نمودن چیزی به چیز دیگر می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷-۳۱۳).

۱-۲ تمکن

تمکن از واژه‌ی سه حرفی «مکن» اتخاذ شده است و مصدر باب تفعّل بوده و در لغت به معنای تنعم، تعین، توانگری، مکنّت (واسطی، ۱۴۱۴: ۱۸-۵۴۳). قادر شدن، دست یافتن و ثروتمندی^۱ می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۴: ۱۳-۴۱۳).

۱-۳ نفقه

نفقه از واژه‌ی سه حرفی «نق» مأخوذ شده و در لغت به معنای هزینه و خرجی و مایحتاج زندگی می‌باشد (اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۹؛ واسطی، ۱۴۱۳: ۴۶۳/۱۳ و قرشی، ۱۴۱۲: ۹۷/۷). و در اصطلاح فقها به معنای نیازمندی‌های زن از جمله مسکن، خادم و البسه است که به طور متعارف مطابق با شأن زن در شهرش پرداخت می‌شود (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۳۰/۳۱). علامه حلی نیز در تعریف نفقه، نظری شبیه صاحب جواهر دارد اما از مصادیق نفقه چیزی را بیان نمی‌کند و می‌فرماید: «نفقه آن چیزی است که زن بدان نیازمند است و مطابق شأن چنین زنی در آن شهر است.» (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۴۷/۲).

امام خمینی (ره) در تعریف نفقه می‌فرماید: «نفقه به مخارج ضروری مانند خوراک، پوشاک و مسکن گفته می‌شود که برای گذران زندگی مورد نیاز است. ازدواج، خویشاوندی و ملکیت از اسباب وجوب آن هستند» (خمینی، بی تا: ۳۱۳/۲).

۱-۴ عقد

عقد در لغت به معنای گره زدن و بستن چیزی می‌باشد (جوهری، ۱۴۱۰: ۵۱۰/۲). و به معنای محکم و موثق نیز به کار رفته است (ابن اثیر، بی تا: ۵۷۰/۳). و در اصطلاح فقهی، به معنای ارتباط و التزام میان دو چیز می‌باشد

در شرع مقدس اسلام، پرداخت نفقه و مایحتاج زندگی زوجه بر عهده‌ی همسر او گذاشته شده است و یکی از مصادیق کفایت در عقد نکاح، در کنار شرائطی همچون اسلام و ایمان، توانایی زوج در پرداخت نفقه‌ی زوجه در عقد نکاح می‌باشد، بنابراین زوج باید به صوت بالفعل یا بالقوه توانایی پرداخت نفقه را داشته و یا اینکه قادر بر کسب و تجارت و یا حرفه‌ای باشد تا بتواند نفقه و مهریه‌ی زوجه را پرداخت نماید.

در میان فقهای امامیه، در زمینه‌ی تمکن از پرداخت نفقه در زمان عقد نکاح اختلاف است، عده‌ای قائل به اشتراط پرداخت نفقه توسط زوج بوده و صحت عقد نکاح را منوط به آن می‌دانند و ادله‌ای از جمله قاعده‌ی لا ضرر و قاعده‌ی لاجرح، آیات، روایات و ملاک‌های عرفی استناد جسته‌اند و عده‌ای دیگر قائل به عدم اشتراط تمکن از پرداخت نفقه می‌باشند و ضمن بیان ادله‌ی خود، عدم تمکن از نفقه را در صحت عقد نکاح دخیل نمی‌دانند، امام خمینی (س) نیز قائل به عدم اشتراط تمکن از پرداخت نفقه بوده و می‌فرماید در صحت نکاح، تمکن زوج از نفقه شرط نمی‌باشد، در ادامه به بررسی ادله‌ی هر یک از طرفین پرداخته و پس از نقد و بررسی هر یک از آنها، نظر نهایی خود را مبنی بر عدم اشتراط تمکن از پرداخت نفقه را به اثبات می‌رسانیم.

۱- مفاهیم کلی

در این قسمت به تعریف و بیان ویژگی‌های مهم درباره مفردات موضوع مورد بحث می‌پردازیم. مفاهیمی چون: عقد، نکاح، نفقه، اشتراط، تمکن که از مفردات موضوع این نوشتار می‌باشند.

۱-۱ اشتراط

اشتراط از واژه‌ی سه حرفی «شرط» اتخاذ شده است و مصدر باب افتعال بوده و در لغت به معنای شرط کردن، شرط بستن، پیمان کردن، لازم گردانیدن پیمان و

مفید در مقنعه، شیخ طوسی در الخلاف و المبسوط، ابن ادریس در سرائر، علامه حلی در تذکره الفقهاء، ابن براج در المهذب، عمیدی در کنزالفوائد، سلار در المراسم، ابن زهره در غنیة می‌باشند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۵۱۲؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۲۷۱/۴؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۱۷۵/۴؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۵۵۷/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۴: ۶۰۳/۲؛ ابن براج، ۱۴۰۶: ۱۷۹/۱؛ عمیدی، ۱۴۱۶: ۳۱۷/۲؛ سلار، ۱۴۰۴: ۱۵۴؛ ابن زهره، ۱۴۱۷: ۳۴۳).

نکته‌ی قابل ذکر این است که احتمال دارد نسبت دادن این قول به شیخ مفید مورد تردید واقع شود، چرا که ایشان می‌فرماید: «و المسلمون الاحرار يتكافئون في الاسلام و الحرية في النكاح و ان تفاضلوا في الشرف بالانساب، كما يتكافئون في الدماء و القصاص، فالمسلم اذا كان واجداً طولاً للانفاق بحسب الحاجة على الازواج مستطیعاً للنكاح» (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۵۱۳). در قید «مستطیعاً للنكاح» دو احتمال هست؛ اول اینکه زوج توان پرداخت مهریه را داشته باشد و دوم اینکه مقصود از نکاح، عقد نکاح نباشد بلکه فعل و مباشرت باشد. یعنی ازدواج برای او یا دیگران منشأ خطر نباشد. ظاهر امر این است که استفاده‌ی از قول به اعتبار تمکن از دادن نفقه در صحت نکاح امکان پذیر نمی‌باشد، زیرا که اولاً: در کلام ایشان عبارتی که دلالت بر اعتبار این امور در صحت نکاح به نحو مطلق داشته باشد وجود ندارد و ثانیاً محتمل است که مقصود از اعتبار این امور، اعتبار آنها در موارد اعمال ولایت از سوی جد یا پدر یا حاکم باشد نه به طور مطل: حتی آنجایی که خود شخص راضی است. ثالثاً: ممکن است که مقصود ایشان، اعتبار این امور در لزوم عقد باشد و رابعاً تقریباً می‌توان مطمئن شد که این امور، نظیر قدرت بر دادن مهریه، توان مباشرت، مأمون بر انفس و سفاهت در رأی نداشتن، شرط در صحت نکاح نیستند.

۲-۲-۲ تمکن از نفقه شرط صحت عقد نیست و اگر زوج در ابتدای امر نکاح فقیر بوده و نتواند نفقه‌ی زوج را بپردازد، عقد نکاح فسخ نشده و بر لزوم خود ابقا

(نراقی، ۱۴۱۵: ۱۱/۱؛ خوئی، ۱۴۱۸: ۱۳-۱۴). محقق حلی در تعریف عقد می‌فرماید: «لفظ دال بر نقل ملک به دیگری می‌باشد» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۶۷/۲).

۵-۱ نکاح

نکاح مأخوذ از «نکح» که در لغت به معنای وطی حلال و جماع است، اما در مجازاً در معنای عقد به کار رفته است (جوهری، ۱۴۱۰: ۴۱۳/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۱۳/۱ و طریحی، ۱۴۱۶: ۳۹۶/۴). در اصطلاح فقهی نیز نکاح به معنای عقدی است که متضمن اباحه وطی می‌باشد (شریینی، ۱۴۳۰: ۲۰۰/۴). و یا عقدی است که مورد تملیک منفعت بضع است (جرجانی، ۱۴۱۲: ۲۴۶).

۲- بررسی اقوال اشتراط تمکن از نفقه در عقد نکاح

یکی از مواردی که به عنوان شرط کفائت در نکاح مورد بحث و واکاوی قرار گرفته است، اشتراط تمکن از نفقه در زمان عقد می‌باشد. در این زمینه در میان فقها به طور کلی دو قول مطرح است و هریک برای استدلال به قول خود ادله‌ای را بیان نموده‌اند که به نقد و بررسی هریک می‌پردازیم.

۱-۲ دیدگاه امام خمینی (ره)

امام خمینی (ره) در این رابطه می‌فرماید: در صحت نکاح، تمکن زوج از نفقه شرط نمی‌باشد ولی اگر صغیره را ولی او به کسی که قدرت بر آن ندارد تزویج نماید، عقد بر او لازم نمی‌شود، پس زن می‌تواند آن را رد نماید، زیرا دارای مفسده است. مگر اینکه با مصلحتی که بر آن مفسده غلبه دارد، مزاحمت نماید (خمینی، بی تا: ۲۸۷/۲).

۲-۲-۲ اقوال فقهای امامیه

۲-۲-۱ تمکن از نفقه شرط صحت عقد می‌باشد، بنابراین زوج برای ازدواج با زوجه باید متمکن از پرداخت نفقه باشد. از جمله قائلان به این قول شیخ

پاکدامن از بردگان با ایمانی که در اختیار دارید ازدواج کنند (نساء: ۲۵).

وجه استدلال: در این آیه‌ی کریمه خداوند متعال می‌فرماید تمکن مالی برای ازدواج با زنان آزاد و مؤمنه را ندارید می‌توانید با کنیزان ازدواج کنید. پس شرط صحت ازدواج با زنان آزاد و کفایت در نکاح، داشتن قدرت مالی داشتن جهت پرداخت نفقه می‌باشد.

۲-۱-۳ روایت کفویت: ابان بن عثمان از عبدالله بن فضل هاشمی روایت کرده است که او ابی عبدالله علیه السلام فرمود: کفایت به معنای آن است که شخص عقیف باشد و تمکن مالی و توانگری داشته باشد (۱).

وجه استدلال: یسار به معنای تمکن مالی، یکی از مصادیق و شروط کفایت در نکاح بیان شده است.

۳-۱-۳ روایت فاطمه بنت قیس: که به پیامبر (ص) عرض کرد دو خواستگار دارم که یکی از آنها معاویه و دیگری پیرمردیست. پیامبر (ص) فرمودند معاویه هیچ مالی ندارد و خواستگار دیگر تو پیر بوده و مناسب ازدواج با تو نیست، تو با اسامه ازدواج کن که فارغ از این دو مشکل است. در ادامه فاطمه بنت قیس می‌گوید من با اسامه ازدواج کردم و بسیار خیر دیدم (۲).

وجه استدلال: در این حدیث واژه‌ی صلوک به کار رفته است که به معنای شخصی که مالی ندارد، بنابراین چنین شخصی صلاحیت ازدواج را ندارد.

۲-۳ استدلال به قواعد فقهی در اثبات شرطیت تمکن از نفقه

۱-۲-۳ قاعده‌ی لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام

وجه استدلال: اگر زنی با مردی ازدواج کند که متمکن از پرداخت نفقه نیست، این ازدواج ضرری است و شارع مقدس نیز به این ازدواج الزام نمی‌نماید و به موجب قاعده لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام و جلوگیری از ضرر رسیدن به زن، ازدواج با شخصی که تمکن مالی ندارد باطل است.

می‌شود و از جمله قائلان به عدم اشتراط تمکن از نفقه، شیخ طوسی در النهایه، علامه حلی در تحریر الاحکام، تلخیص المرام، قواعد الاحکام و مختلف الشیعه، محقق حلی در ایضاح الفوائد، فاضل مقداد در تنقیح الرائع، ابن فهد حلی در مهذب البارع، شهید ثانی در الروضة البهیة و مسالک الافهام، موسوی عاملی در نهایه المرام، طباطبایی حائری در ریاض المسائل، فاضل هندی در کشف اللثام، کاشف الغطاء در انوار الفقاهه، صاحب جواهر در جواهر الکلام، مغنیه در فقه الامام الصادق (ع). اراکی در کتاب النکاح، روحانی در فقه الصادق (ع). و طباطبایی در مبانی منهج الصالحین می‌باشند (طوسی، ۱۴۰۰: ۴۶۳؛ علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲۲/۴؛ علامه حلی، ۱۴۲۱: ۱۹۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۱۵/۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۷؛ محقق حلی، ۱۳۸۷: ۲۳/۳؛ فاضل مقداد، ۱۴۰۴: ۳-۱۷۳؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۳-۳۰۳؛ شهیدثانی، ۱۴۱۰: ۲۳۷/۵؛ شهیدثانی، ۱۴۱۳: ۴۰۵/۷؛ موسوی عاملی، ۱۴۱۱: ۲۰۳/۱؛ طباطبائی حائری، ۱۴۱۸: ۲۸۹/۱؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۲۰/۲؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲: ۱۳۷؛ صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۹۵/۳۰؛ مغنیه، ۲۳۹/۱۴۲۱: اراکی، ۱۴۱۹: ۳۰۷؛ روحانی، ۱۴۱۲: ۲۳۹/۵؛ طباطبایی، ۱۴۲۶: ۳۱۳/۱۰).

۳-۱ ادله‌ی قائلین به اشتراط تمکن از نفقه در نکاح

ذیلا به بررسی و نقد استدلالهای ابراز شده از سوی طرفداران نظریه اشتراط تمکن از نفقه می‌پردازیم که شامل دو قسمت ادله نقلی و ادله عقلی و قواعدی از فقه و عرف می‌شود.

۱-۳ ادله‌ی نقلی قائلان به اشتراط تمکن از نفقه

۱-۱-۳ آیه‌ی شریفه‌ی «وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِنْ فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ» (و آنها که توانائی ازدواج با زنان (آزاد) پاکدامن با ایمان را ندارند، می‌توانند با زنان

۲-۲-۳ قاعده‌ی لا حرج، (نفی العسر و الحرج)

وجه استدلال: اگر زوج قدرت مالی در پرداخت نفقه را نداشته باشد این امر موجب حرجی شدن ازدواج بر زوجه خواهد بود و بنابراین به واسطه‌ی ادله‌ی نفی حرج می‌گوییم در مواردی که زوج فاقد شرط تمکن مالی از پرداخت نفقه است، این ازدواج صحیح نبوده و لازمه‌ی صحت آن، شرطیت تمکن می‌باشد.

۳-۳ ادله‌ی عقلی اشتراط تمکن از نفقه

۱-۳-۳ اجماع

وجه استدلال: برخی از فقها در استدلال به این قول، در کتب خود اجماع را نقل کرده‌اند (روحانی، ۱۴۱۲: ۲۱/۴۷۸؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۴/۲۷۱؛ ابن زهره، ۱۴۱۷: ۳۴۳؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۴/۱۷۸).

۳-۴ ادله‌ی عرفی اشتراط تمکن از نفقه

۱-۴-۳ کفایت عرفی در نکاح

وجه استدلال: سنخیت و کفویت در نکاح بین زوج و زوجه عرفاً معتبر است و شخصی که تمکن مالی ندارد، شخصی ناقص است و شخص ناقص با فرد کامل سنخیت و کفویت ندارند. همین طور که نسب اشخاص و حیثیات افراد در کفویت، عرفاً دخالت دارد، فقر و غنی بودن نیز در نظر عرف دخالت در کفویت و هم شأن بودن دارد (شبیری زنجانی، ۱۴۱۹: ۱۸/۵۷۹۹).

۲-۴-۳ فلسفه‌ی نکاح از دیدگاه عرف

وجه استدلال: فلسفه‌ی نکاح و عقد ازدواج این است که طرفین بتوانند با یکدیگر در زندگی تفاهم داشته باشند و زمانی که مرد قدرت بر پرداخت نفقه را ندارد، ازدواج دوام نخواهد یافت و بر این اساس شارع مقدس طبعاً این مورد را امضا نموده است (شبیری، همان).

۴- نقد و بررسی ادله‌ی قائلین به اشتراط تمکن از نفقه در نکاح

۱-۴-۴ نقد و بررسی آیه ۲۵ سوره نساء:

استدلال به آیه شریفه به مفهوم آن است، لکن به نظر می‌رسد که آیه در مقام بیان اشتراط نفقه برای صحت ازدواج با حره مؤمنه نیست، بلکه در مقام بیان این است که شرط ازدواج با کنیز این است که شخص تمکن از نفقه حره نداشته باشد. پس کسی که تمکن ازدواج با زن آزاد را دارد ازدواجش با کنیز صحیح نیست. اما آیا شرط ازدواج با زن آزاد، تمکن از نفقه است؟ این را بیان نمی‌کند. ممکن است ازدواج با زن آزاد صحیح باشد چه مرد تمکن از نفقه داشته باشد و چه نداشته باشد، بلکه زن اگر توافق کرد ازدواج صحیح باشد. حال اگر مردی به هر دلیلی، نمی‌خواهد با زن آزاد ازدواج کند و می‌خواهد با کنیز ازدواج کند و مثلاً کنیز قیافه ظاهری بهتری دارد شرط ازدواج با کنیز این است که تمکن از نفقه زن آزاد را نداشته باشد، اما آیه دلالت نمی‌کند که شرط ازدواج با زن آزاد، تمکن از نفقه اوست.

قائلین به اشتراط به مفهوم آیه تمسک کرده‌اند، اما اختلاف دارند که آیا با تمکن از نفقه، ازدواج با کنیز حرام است یا مکروه است. پس شکی در اصل مفهوم داشتن نیست. و اگر ادله خلاف نبود از این آیه استفاده تحریم می‌شد و جا برای قول به کراهت نبود. لکن ادله دیگر دلالت بر کراهت می‌کند. لکن همان طور که گذشت این آیه ناظر به شرط ازدواج با کنیز است.

صاحب جواهر احتمال دیگری در معنای آیه داده است و آن اینکه مقصود از عدم تمکن، عدم تمکن از مهریه باشد چون مهریه زن آزاد سنگین است و مهریه کنیز سبک است. پس هر کس تمکن از مهریه زن آزاد ندارد با کنیز ازدواج کند که مهریه او سبک است. بنابراین، آیه به بحث کنونی که مسئله تمکن از نفقه است ارتباط ندارد (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۰/۱۰۴). لکن به نظر می‌رسد که این احتمال خلاف ظاهر آیه شریفه ظاهر آیه عدم تمکن مالی از ازدواج با زن آزاد

روایت در مقام بیان حکم ترغیبی و استحبابی است و اینکه دختر دادن به شخص فاسق یا ازدواج به شخص فاسق کراهت دارد. پس روایت در مقام بیان حکم شرعی است، لکن تمام احکام شرعی الزامی نیست، گاهی الزامی و گاهی غیر الزامی است. از این رو این روایت هم ناظر به مسئله کنونی ما نیست.

۳-۴ نقد و بررسی روایت فاطمه بنت قیس:

این روایت ناظر به مصلحت سنجی و ارشاد و نصح است. پیامبر اکرم (ص) نمی‌خواهد بفرماید ازدواج با شخص فاقد مال را ترک کن، زیرا ازدواج با او باطل است و در همین روایت، مسأله ازدواج با پیرمرد هم آمده است، با آنکه ازدواج با پیرمرد باطل نیست. بنت قیس سؤال می‌کند که مصلحت در ازدواج با کدام یک از این دو نفر است؟ و حضرت جواب می‌دهد که هیچ کدام از این دو به صلاح تو نیست، اسامه بن زید اصلح است. نه اینکه ازدواج با آن دو باطل است و ازدواج با اسامه صحیح است. بنابراین ممکن است بگوییم ازدواج با فاقد نفقه هم صحیح است، لکن زن ملزم نیست که با فاقد نفقه ازدواج کند حتی رجحان و ترغیب ازدواج با کسی که مال ندارد هم از این روایت استفاده نمی‌شود. چون این روایت در مقام بیان حکم شرعی نیست.

۴-۴ نقد و بررسی قاعده‌ی لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام:

این استدلال خیلی سست است زیرا اولاً: یک طرف مسئله جایی است که زن عامداً و عالماً اقدام به ازدواج با شخص فاقد مال می‌کند که در این صورت جای قاعده لا ضرر نیست و این قاعده برای جایی است که عالم نباشد مانند روایتی که زنی از پیامبر صلی الله علیه و آله تقاضای ازدواج کرد و پیامبر او را به مردی تزویج کرد که چیزی نداشت و زن عالماً و عامداً پذیرفت.

است و عدم تمکن مالی اولاً به این دلیل است که شخص مهریه نداشته باشد و دوماً به این دلیل است که هر چند تمکن از مهریه دارد ولی تمکن از زائد بر مهریه برای اداره زندگی ندارد، پس تمکن از مجموع مهریه و مخارج زندگی همسر را ندارد، پس مفهوم «مَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلاً أَنْ يَنْكَحَ الْمُحْصَنَاتِ» ناظر به کسی است که هر دو را داشته باشد نه اینکه فقط مهریه را داشته باشد. بنابراین، اختصاص دادن آیه به مهریه که لازمه آن عدم ارتباط آیه به بحث کنونی است دلیلی ندارد.

پس جواب متین همان است که گذشت و آن اینکه آیه در مقام بیان شرط ازدواج با کنیز است نه شرط ازدواج با زن آزاد. صاحب جواهر جواب دیگری نیز داده است و آن اینکه آیه در مقام بیان حکم شرعی و شرط صحت نکاح با کنیز نیست، بلکه آیه ارشادی است و بیان می‌کند که راه منحصر در نکاح با زنان آزاد نیست (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۳۰/۱۰۵)

۲-۴ نقد و بررسی روایت کفویت:

صاحب جواهر در این زمینه می‌فرماید: عقیف بودن مرد شرط صحت ازدواج نیست زیرا مراد از عفت، پرهیز نمودن از گناه است و زنا یک مصداق از مصادیق آن است. پس عقیف بودن نقطه مقابل فسق بودن است نه نقطه مقابل زانی و چون متقی بودن مرد شرط نیست، این روایت ناظر به کفایت عرفی است. برای اینکه کفویت عرفی و سنخیت پیدا شود تقوا شرط است. اگر مرد فاسق است و زن عادل است کفویت عرفی وجود ندارد. اگر یک طرف یسار و توانگری دارد ولی دیگری فقیر است کفویت عرفی وجود ندارد (صاحب جواهر، همان). ولی به نظر می‌رسد این جواب بسیار بعید است، زیرا بیان مسائل عرفی در شأن امام (ع) نیست. اینکه با چه چیزی کفویت عرفی حاصل می‌شود را عرف بیان می‌کند، شأن امام بیان احکام شرعی است و این جمله مقدمه بیان حکم شرعی است. وقتی ما خارجاً می‌دانیم که تقوا شرط صحت نیست می‌توانیم استفاده کنیم که

می‌دانند نه فقط در موردی که زن خود فاقد تمکن باشد یا مشکله دیگری برای ازدواج نداشته باشد. ثانیاً: بر فرض پذیرش حرجی بودن همه موارد، شرطیت تمکن برای صحت نکاح متعین نیست بلکه راه‌های دیگری از قبیل فسخ عقد توسط حاکم شرع از باب امور حسبه و یا الزام به طلاق نیز ممکن است. ثالثاً: ادله «لا حرج» نمی‌تواند موجب رفع محرمات شود و به عبارت دیگر این ادله حاکم بر ادله محرمات نیستند. زیرا اساس در اکثر موارد احکام تحریمیه این است که مورد آنها، مورد امور شهویه یا غضبیه است که تحمل و صرف نظر کردن از آنها غالباً برای عموم افراد دشوار و حرجی است و لذا اگر بنا باشد صرف حرجی بودن موجب رفع حکم شود تمامی احکام تحریمیه و یا حداقل اکثر آنها باید رفع شوند. بله در مورد احکام وجوبیه چون غالب آنها حرجی و دشوار نیست لذا اگر در جایی حرج اتفاق بیفتد. به واسطه ادله لا حرج آن حکم برداشته می‌شود. با این مقدمه در محل کلام چنین می‌گوییم: یکی از محرمات شرعیه این است که زن شخصی را از حباله نکاح او خارج کرده و به دیگران اجازه تزویج با او داده شود. در اینجا نمی‌توان با اجرای قانون «لا حرج» چنین امری را مرتکب شد، لذا از این جهت نیز استدلال ناتمام است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴: ۱۶۵/۴).

۵- ادله‌ی قائلین به عدم اشتراط تمکن از نفقه

ذیلاً به بررسی و نقد استدلالهای ابراز شده از سوی طرفداران نظریه عدم اشتراط تمکن از نفقه می‌پردازیم که شامل دو قسمت ادله تفسیری و نقلی و ادله عقلی و قواعدی از فقه و عرف می‌شود.

۱-۵ تمسک به اطلاقات لفظی و مقامی ادله امره به نکاح:

وجه استدلال: متمکن بودن از نفقه برای نکاح، در هیچ جا به عنوان شرط صحت نکاح و یا موجهی برای فسخ نکاح ثابت نشده است و در نتیجه مقیدی برای این

ثانیاً: بر فرض قاعده لا ضرر حاکم باشد، این مورد حداکثر مثل غبن است و در بیع غبنی قائل به خیار هستیم نه بطلان، پس اگر می‌داند که خودش اقدام کرده و اگر نمی‌داند حداکثر این است که خیار دارد و نمی‌توانیم بگوییم باطل است ثالثاً: اگر خیار فسخ را هم برای زن قائل نشویم و آن را جایز ندانیم باید بگوییم که مرد ملزم است که زن را طلاق دهد. این ضرر با طلاق دادن رفع می‌شود. علامه حلی اشکال کرده است که معقول نیست که با عدم تمکن از نفقه، شارع امر به ازدواج کند و سپس وقتی به مشکل برخورد کرد بگوید: طلاق دهید. لزوم این محظور نشان می‌دهد که ازدواج باید به گونه‌ای باشد که منجر به طلاق نشود (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲۲/۴). لکن از این اشکال می‌توان پاسخ داد به اینکه اگر لازمه لا ینفک عدم تمکن از نفقه، طلاق بود اشکال وارد بود، لکن طلاق لازم لا ینفک این ازدواج نیست، زیرا ممکن است مرد تمکن از نفقه نداشته باشد و زن راضی به زندگی فقیرانه باشد یا زن خود دارای بضاعت و ثروت باشد، چون در موضوع روایت فرض نشده است که زن هم بضاعت و ثروت نداشته باشد. بنابراین زن می‌تواند فعلاً خرج کند و نفقه به صورت دین در عهده شوهر قرار می‌گیرد. پس این اشکال وارد نیست و تمسک به لا ضرر تمام نیست.

۵-۴ نقد و بررسی قاعده‌ی فقهی نفی لا حرج:

اولاً: دلیل اخص از مدعا است و شامل مواردی که زن دارای تمکن مالی است و می‌تواند امور مربوط به خودش را خود تأمین کند یا حداقل به طور بالقوه چنین تمکنی دارد که بتواند به واسطه اکتساب یا وجوه شرعیه و بیت المال نیاز خود را برطرف سازد و همچنین مواردی که امر دائر است بین اینکه زن با این مرد که تمکن از نفقه ندارد ازدواج نماید یا اصلاً شوهری برای او پیدا نشود که صورت اول اقل حرجاً است نمی‌شود در حالی که کسانی که «تمکن» را شرط می‌دانند مطلقاً و در همه موارد آن را معتبر

ازدواج سبب تمکن از نفقه می‌شود و بنابراین اصلاً مصداقی برای غیر متمکن باقی نخواهد ماند. برای رفع مشکل به چند بیان اشاره می‌کنیم:

۱- بیان اول: این است که بگوییم مراد کسانی که تمکن از نفقه را شرط قرار داده و در نتیجه برای فاقد تمکن مصداقی فرض کرده‌اند، تمکن لو لا ازدواج است یعنی زوج قبل از ازدواج باید تمکن از نفقه داشته باشد. ولی این آیه می‌فرماید تمکن لو لا ازدواج شرط نیست بلکه باید ازدواج کنید و خداوند نیز اگر مشکلی وجود داشته باشد با ازدواج آن را حل می‌کند، با این بیان مصداق غیر متمکن، شخصی است که قبل از عقد تمکن ندارد.

۲- بیان دوم: این است که مراد از وعده‌ی غنایی که خداوند در این آیه به مزدوجین داده است، وعده‌ای با در نظر گرفتن نوع افراد و غالب اشخاص است، به این معنا که مفاد آیه شریفه امری دقّی و ریاضی که هیچ‌گونه مورد خلافی نداشته باشد نیست بلکه آیه می‌فرماید نوعاً و غالباً مشکلات مالی با ازدواج کردن حل می‌شود و این مطلب به عنوان حکمت امر به ازدواج ذکر شده است و لذا منافاتی ندارد که در آن عده از موارد نادر و غیر غالبی که مشکل حتی با ازدواج نیز مرتفع نمی‌شود، دستور عام به ازدواج و عدم شرطیت تمکن مالی، وجود داشته باشد و لذا عقد غیر متمکن باطل نباشد. پس حاصل این بیان این است که غیر متمکن چون دارای فروض نادره می‌باشد لذا تمکن از نفقه به عنوان شرط صحت جعل نشده است.

۳- بیان سوم: این است که بگوییم مراد کسانی که تمکن از نفقه را جزء شرایط قرار داده‌اند این است که به هیچ وجه و در هیچ زمانی زوج فاقد تمکن نباشد. ولی مفاد آیه این است که چنین چیزی لازم نیست بلکه با ازدواج کردن، خداوند اگر مشکلات و سختی‌هایی نیز در اوائل زندگی وجود داشته باشد آنها را برطرف نموده، در بعضی روایات ما نیز آیه «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (شرح: ۵). بر ازدواج تطبیق شده است. بنابراین مصداق غیر متمکن کسانی خواهند بود که در

اطلاقات وجود ندارد و می‌توان به آنها عمل کرد و این دلیل خالی از اشکال است و می‌توان برای نفی شرطیت به اطلاقات تمسک نمود.

۲-۵ ادله‌ی نقلی

۱-۲-۵. آیه‌ی شریفه‌ی «وَأَنْكَحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد (نور: ۳۲)

وجه استدلال: آیه صراحتاً اشتراط تمکن مالی را نفی می‌کند و می‌فرماید فقر مانع از صحت نکاح نمی‌باشد. نقد و بررسی:

اولاً: آیه در مقام بیان نفی شرطیت تمکن از نفقه و عدم فقر بوده و ارتباطی با مسئله‌ی تمکن از نفقه ندارد زیرا که چه بسا زوج بتواند احتیاجات همسر خود را برطرف نماید ولی نسبت به حوائج زندگی فقیر است و توان تأمین آنها را نداشته باشد و این دو مطلب یعنی عدم مانعیت فقر و تمکن از نفقه در کلام فقهای متقدم تفکیک شده به عنوان نمونه مرحوم طوسی در خلاف پس از آنکه تمکن از نفقه را از شرایط صحت نکاح می‌داند اما در عین حال قائل به عدم مانعیت فقر برای صحت نکاح می‌باشد و حاصل اینکه این آیه ارتباطی با محل بحث ندارد (طوسی، ۱۴۰۷: ۴/۲۷۴).

ثانیاً: فقهای که شرطیت تمکن را باطل دانسته‌اند این مطلب را مد نظر داشته‌اند که بر حسب واقع زوج یا تمکن مالی دارد و یا ندارد و در فرض دوم عقد وی باطل می‌باشد یا غیر لازم است و به عبارت دیگر تحقق و وجود مصادیقی برای غیر متمکن در نظر آنها مسلم بوده و لذا درصدد بیان حکم آن برآمده‌اند. و حال که مضمون آیه چنین است که اگر با غیر متمکن ازدواجی صورت گیرد خداوند مشکل را حل نموده و

«وَأَنْكَحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور: ۳۲). ضمانت کرده است که اشخاصی که تمکن مالی برای ازدواج ندارند را بی‌نیاز قرار می‌دهد.

۱-۲-۲-۲-۵ روایت محمد بن جعفر (۵): وی از پدرش و ایشان نیز از آباء طیبه خود روایت کرده است که پیامبر (ص) فرمود: کسی که ازدواج را به دلیل ترس از فقر ترک نماید، به خداوند عز و جل سوء ظن دارد، چرا که خداوند متعال می‌فرماید: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ».

وجه استدلال: از مجموع روایاتی که بیان شد مشخص می‌شود اشتراط تمکن از نفقه ارتباطی با صحت نکاح ندارد و چه بسا که ازدواج خود، باعث افزایش رزق و روزی و گره‌گشایی از مشکلات زندگی می‌گردد. دلالت روایات بر عدم اشتراط تمکن از نفقه تمام بوده و مناقشه‌ای در آن وارد نیست.

نتیجه گیری

۱- در ارتباط با اشتراط تمکن نفقه در عقد نکاح در میان فقها دو قول وجود دارد، قائلان قول اول معتقدند که زوج در هنگام عقد نکاح باید توانایی پرداخت نفقه به زوجه را داشته باشد و تمکن از پرداخت نفقه شرط صحت نکاح می‌باشد و اگر زوج قادر به پرداخت نفقه نباشد عقد نکاح صحیح نمی‌باشد. قائلان قول دوم نیز معتقدند که تمکن از پرداخت نفقه شرط صحت و لزوم عقد نکاح نمی‌باشد و بنابراین اگر زوج در ابتدای عقد نکاح توانایی پرداخت نفقه را نداشته باشد عقد بر صحت خود باقی می‌ماند و نظر امام خمینی (ره) نیز موافق با قائلان به عدم شرطیت تمکن از نفقه می‌باشد.

۲- هر گروه از قائلان برای اثبات قول خود متمسک به ادله‌ی نقلی، عقلی، عرفی و قواعد فقهی شده‌اند که با بررسی هریک از ادله‌ی قائلان به اشتراط، همگی مورد مناقشه قرار گرفته و وجه استدلال آنها ناتمام می‌باشد

مدتی محدود فاقد تمکن بوده باشند و لیکن آیه این مقدار را مورد توجه قرار نداده و تمکن فی جمیع الاوقات را شرط ندانسته است.

براساس بیانات، مناقشه‌ای که در استدلال به این آیه وارد شده تا دلالت آن را بر عدم اشتراط تمکن از نفقه ابطال نماید مردود می‌باشد.

۲-۲-۵ روایات روایاتی که بر عدم اشتراط تمکن از نفقه دلالت دارند، سه طایفه را تشکیل می‌دهند.

۱-۲-۲-۵. طایفه‌ی اول: روایاتی که اشخاص نزد پیامبر (ص) می‌آمدند و از فقر خود شکایت نموده و پیامبر (ص) می‌فرمود ازدواج کنید تا غنی شوید.

۱-۲-۲-۵-۱-۱. روایت هشام بن سالم (۳): هشام بن سالم از ابی عبدالله (ع) روایت می‌کند که شخصی نزد پیامبر (ص) آمد و از اوضاع و احوال مالی خود نزد پیامبر (ص) شکایت کرد، پیامبر (ص) به او فرمودند ازدواج کن و او با ازدواج در کارش توسعه‌ی مالی حاصل شد.

۲-۲-۲-۱-۲. روایت اسحاق بن عمار (۴): از اسحاق بن عمار روایت شده است که به ابی عبدالله (ع) فرمود: مردم روایتی را نقل می‌کنند که مردی نزد پیامبر (ص) آمد و نزد حضرت از حاجتی که داشت شکایت کرد، پس پیامبر (ص) او را امر به نکاح فرمود و آن شخص ازدواج کرد و بار برای دوم نیز نزد پیامبر از حاجت مالی‌اش شکایت کرد و برای بار دوم نیز پیامبر (ص) او را به ازدواج امر نمود تا اینکه او را سه مرتبه به ازدواج امر فرمود، ابی عبدالله (ع) فرمود که این روایت حق است و رزق و روزی به همراه زنان و همسران است.

وجه استدلال: این تعبیر علاوه بر جنبه‌ی الهی، نکته‌ی روانی هم دارد چون وقتی شخص ازدواج کند برای جلوگیری از خجالت زده شدن در نزد همسرش، تلاش بیشتری می‌کند حال با وجود صراحت این روایات نمی‌توان تمکن مالی را شرط دانست.

۲-۲-۲-۵ طایفه‌ی دوم: روایاتی که در مقام بیان این است، شخصی که به دلیل فقر اقدام به ازدواج نکند به خداوند سوء ظن دارد، زیرا خداوند خود طبق آیه‌ی

تقدیر و تشکر

از همه عزیزانی که در به سامان رسیدن این تحقیق ما را یاری رساندند تشکر می‌کنیم.

سهم نویسندگان

نگارش و تألیف این مقاله مشترکاً توسط تمامی نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع

در این تحقیق تضاد منافی وجود ندارد.

و از طرفی دیگر ادله‌ای که قائلان به عدم اشتراط تمکن بیان نموده‌اند تام بوده و مناقشاتی که به برخی از این ادله وارد شده است پاسخ داده شده و مورد خدشه را رد می‌نمایند. بنابراین نظریه‌ی اشتراط تمکن نفقه در عقد نکاح را مردود دانسته و همچون حضرت امام (س) تمکن از نفقه را شرط در صحت عقد نکاح نمی‌دانیم.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در خصوص نگارش مقاله و امانت‌داری در ارجاعات رعایت گردید.

پی‌نوشت

۴. «عن اسحاق بن عمّار قال: قلت لأبي عبد الله عليه السلام الحديث الذي يروون الناس حق أن رجلاً أتى النبي صلى الله عليه و آله فشكى إليه الحاجة فأمره بالتزويج ففعل ثم أتاه فشكى إليه الحاجة فأمره بالتزويج حتى أمره ثلاث مرّات فقال أبو عبد الله عليه السلام هو حق ثم قال الرزق مع النساء و العيال» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۹۰/۲۱).

۵. «عن محمد بن جعفر عن أبيه عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله عليه السلام: من ترك التزويج مخافة العيلة فقد ساء ظنه بالله عزّ و جلّ ان الله عزّ و جلّ يقول «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يَغْنِيهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۵۴/۲۱).

۱. «عن ابان بن عثمان، عن عبد الله بن الفضل الهاشمي قال: قال أبو عبد الله عليه السلام الكفو ان يكون عفيفا و عنده يسار» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۷۸/۲۰).

۲. «قول النبي صلى الله عليه و آله لفاطمه بنت قيس لما شاورته في خطابها، معاوية صعلوك لا مال له و أبو الجهم لا يضع العصي عن عاتقه» (صاحب جواهر، ۱۴۰۴: ۲۶/۲).

۳. «عن هشام بن سالم عن أبي عبد الله عليه السلام قال: جاء رجل الى النبي صلى الله عليه و آله فشكى إليه حاجة فقال له تزوّج فتزوّج فوسّع عليه» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۹۰/۲۱).

منابع

- **قرآن کریم**
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (بی‌تا). *النهایه فی غریب الحدیث و الاثر*. چاپ ۱، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن ادريس، محمد بن منصور (۱۴۱۰). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. چاپ ۲، قم: دفتر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن براج، قاضی عبدالعزیز (۱۴۰۶). *المهذب*. جلد ۱، قم: دفتر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن زهره، حمزه بن علی (۱۴۱۷). *غنیة النزوع الی علم الاصول و الفروع*. چاپ ۱، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۴). *معجم مقاییس اللغة*. چاپ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن فهد حلّی، جمال الدین (۱۴۰۷). *المهذب البارع فی شرح المختصر النافع*. چاپ ۱، قم: دفتر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). *لسان العرب*. چاپ ۳، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
- اراکی، محمد علی (۱۴۱۹). *کتاب النکاح*. چاپ ۱، قم: نور نگار.
- اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲). *مفردات الفاظ القرآن*. چاپ ۱، لبنان: دارالعلم.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۴۱۲). *التعریفات*. چاپ ۱، تهران: ناصرخسرو.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة*. چاپ ۱، بیروت: دارالعلم للملایین.
- حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعة*. چاپ ۱، قم: موسسه آل‌البتیت علیهم السلام.
- خطیب شربینی، محمد بن احمد (۱۴۳۰). *مغنی المحتاج*. چاپ ۱، بیروت: دارالفکر للطباعة و الفکر.
- خمینی، روح الله (بی‌تا). *تحریر الوسیلة*. چاپ ۱، قم: موسسه مطبوعات دارالعلم.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۴۱۸). *منهاج الصالحین*. چاپ ۲۸، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی (ره).
- روحانی، سید صادق (۱۴۱۲). *فقه الصادق علیه السلام*. چاپ ۱، قم: دارالکتاب.
- سالار، حمزه بن عبدالعزیز (۱۴۰۴). *المراسم العلویة و الاحکام النبویة فی الفقه الامامی*. چاپ ۱، قم: منشورات الحرمین.
- شبیری زنجانی، سیدموسی (۱۴۱۹). *کتاب نکاح*. چاپ ۱، قم: موسسه پژوهشی رای‌پرداز.
- شهیدثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). *الروضه البهیة فی شرح اللعنة الدمشقیة*. چاپ ۱، قم: کتابفروشی داوری.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). *مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام*. چاپ ۱، قم: موسسه المعارف الاسلامیة.
- شیخ مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳). *المقنعة*. چاپ ۱، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید ره.
- صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر نجفی (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*. چاپ ۷، بیروت: دار احیاء تراث العربی.
- طباطبایی، سید تقی (۱۴۲۶). *مبانی منهاج الصالحین*. چاپ ۱، قم: منشورات قلم‌النشر.
- طباطبایی حائری، علی بن محمد (۱۴۱۶). *ریاض المسائل*. چاپ ۱، قم: موسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.
- طریحی، فخر الدین (۱۴۱۶). *مجمع البحرین*. چاپ ۳، تهران: مکتبه المرتضویة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷). *الخلاف*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیة*. چاپ ۳، تهران: مکتبه المرتضویة.

- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰). *النهائية في مجرد الفقه و الفتاوى*. چاپ ۲، بیروت: دارالکتب العربیة.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰). *تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیة*. چاپ ۱، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴). *تذکره الفقهاء*. چاپ ۱، قم: موسسه آل البيت علیهما السلام.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۲۱). *تلخیص المرام فی معرفة الاحکام*. چاپ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). *قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام*. چاپ ۱، قم: دفتر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). *مختلف الشیعة فی احکام الشریعة*. چاپ ۲، قم: دفتر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عمیدی، عمیدالدین بن محمد (۱۴۱۶). *کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد*. چاپ ۱، قم: دفتر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله (۱۴۰۴). *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*. چاپ ۱، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). *کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام*. چاپ ۱، قم: دفتر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲). *قاموس قرآن*. چاپ ۶، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- کاشف الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲). *انوار الفقاهة- کتاب النکاح*. چاپ ۱، نجف اشرف: موسسه کاشف الغطاء.
- محقق حلّی، ابوالقاسم جعفر بن حسن (۱۳۸۷). *ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد*. چاپ ۱، قم: موسسه اسماعیلیان.
- محقق حلّی، ابوالقاسم جعفر بن حسن (۱۴۰۸). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. چاپ ۲، قم: موسسه اسماعیلیان.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴). *کتاب النکاح*. چاپ ۱، قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
- موسوی عاملی، محمد بن علی (۱۴۱۱). *نهایة المرام فی شرح مختصر شرائع الاسلام*. چاپ ۱، قم: دفتر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نراقی، احمد بن محمد (۱۴۱۵). *مستند الشیعه فی احکام الشریعة*. چاپ ۱، قم: موسسه آل البيت علیهم السلام.
- واسطی، محمد مرتضی (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*. چاپ ۱، بیروت: دارالفکر للطباعة و التوزیع.



A Study on the Condition of Being Able to Pay Alimony in Marriage with a View on the Opinion of Imam Khomeini

^{1*}, Moein Gholam Alipour²FatemeH Najibzadeh

* 1. Master, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran.

2. PhD Student, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION:

Article Type: *Original Research*

Pages: 57-69

Article history:

Received: 26 Jan 2020

Edition: 13 Feb 2020

Accepted: 17 Mar 2020

Published online: 4 Apr 2020

Keywords:

Marriage, alimony, husband, wife, Imam Khomeini.

Corresponding Author:

FatemeH Najibzadeh

Address:

Iran, Mashhad, Ferdowsi
University of Mashhad

Orchid Code:

0000-0003-4124-3650

Tel:

00000000000

Email:

fatemehnajibzadeh@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: One of the examples of sufficiency in marriage according to Imami jurists, along with conditions such as faith and Islam, is the ability of the husband to meet the needs of the wife and the necessities of her life.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: One of the issues discussed in this regard is whether at the beginning of the marriage the spouse is able to pay the alimony of the spouse is one of the conditions for the validity of the marriage or whether the marriage is valid without the spouse being able to pay alimony.

Conclusion: In this article, the authors have examined the issue of the condition of being able to pay alimony in a marriage contract and after mentioning and examining the arguments of those who believe in the condition and those who believe in not being able to pay alimony, have proved the theory of the condition of being able to pay alimony in marriage. As a result, the lack of alimony has no effect on the validity of the marriage.

Cite this article as:

Najibzadeh F, Gholam Alipour M. A Study on the Condition of Being Able to Pay Alimony in Marriage with a View on the Opinion of Imam Khomeini. *Economic Jurisprudence Studies*. 2020; 2(1): 57-69.